

فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
شماره پیاپی: نهم - پاییز ۱۳۹۰
از صفحه ۶۱ تا ۸۴

بررسی کاربرد انواع تکرار در اشعار گلچین معانی*

دکتر محمود صادق‌زاده^۱
استادیار زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد یزد

چکیده

احمد گلچین معانی (۱۲۹۵-۱۳۷۹)، شاعر و پژوهشگر معاصر از جمله شاعرانی است که به آرایه‌ی تکرار توجه خاصی دارد و غالباً نیز موجب افزایش و زیبایی موسیقی کلامش می‌شود.

تکرار، کاربرد بیش از یک بار کلمه یا کلماتی در جمله یا بیت و نیز یکی از مختصات سبک ادبی است و بیشتر در بدیع لفظی به قصد تأکید، تعظیم، تنبیه به کار می‌رود. هرچند تکرار، در سخن عادی خوشایند نیست، اما در سبک ادبی از جمله در شعر گلچین برای مقاصد بلاغی، آرایش‌های کلامی و یا برحسب ضرورت‌های شعری استفاده می‌شود. در این جستار، با تجزیه و تحلیل دیوان گلچین به کاربرد انواع شیوه‌ها و ویژگی‌های تکرار در اشعار وی پرداخته می‌شود.

انواع تکرار به صورت‌های مختلفی، همچون: تکرار واج، هجا، واژه، عبارت و جمله و مضامین به شیوه‌های هنرمندانه در شعر گلچین به کار می‌رود. گلچین برای ایجاد موسیقی کلام از انواع تکرار، بیش از عوامل دیگر بهره می‌برد.

کلید واژه‌ها: گلچین معانی، شعر کلاسیک نو، سبک‌شناسی ادبی، انواع تکرار،

موسیقی کلام.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۲۰

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۱۸

^۱ - پست الکترونیکی: msz_41@yahoo.com

مقدمه

در دوره‌ی معاصر با توجه به سرعت تغییر و تحول و شرایط حاکم بر جامعه‌ی ایران، گرایش‌های مختلفی در میان ادیبان و شاعران فارسی‌گوی پیدا می‌شود، از جمله در بخشی از عصر پهلوی با توجه به اختناق حاکم بر جامعه و سلب آزادی بیان و گرایش برخی از انجمن‌های ادبی به سبک کلاسیک، عده‌ای از شاعران به تقلید از سبک گذشتگان می‌پردازند و به تقلید از شیوه‌ی آنان آثاری پدید می‌آورند. از جمله‌ی این شاعران، احمد گلچین معانی است که با وجود حضور فعال در عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی و سرودن اشعار سیاسی و عصری در زمینه نوگرایی تنها به محتوا و استعمال برخی از واژه‌ها و اصطلاحات اکتفا می‌کند و به ویژه در غزلیات که بخش اعظم دیوان او را تشکیل می‌دهند به تقلید از گذشتگان می‌پردازد. آنچه در دیوان این شاعر قابل توجه است، ظهور گلچینی از سبک‌ها است که با وجود تأثیر پذیری و تقلید از سبک‌های خراسانی، عراقی، هندی و معاصر به دلیل تنوع و حسن سلیقه، تازگی خاصی را ایجاد می‌کند و بدین گونه از تقلید صرف دور می‌شود.

گلچین به سال ۱۲۹۵ ش. در خانواده‌ای مذهبی در تهران به دنیا آمد. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش آموخت و شاعری را رسماً در پانزده سالگی با نخستین شعرش «مذمت تریاک» آغاز کرد. در سال ۱۳۱۳ به استخدام وزارت دادگستری درآمد. یک سال بعد به کمک امیری فیروز کوهی (همکار و یار ادبی‌اش) به «انجمن ادبی حکیم نظامی» پیوست و فعالیت‌های ادبی خویش را آغاز کرد. (فرح‌زاد، ۱۳۷۷: ۱۵)

گلچین، ابتدا به منظور سرگرمی و طبع آزمایی در انجمن‌های ادبی شعر می‌سرود، اما با مشاهده‌ی هجوم اشغال‌گران انگلیسی، روسی و امریکایی در سال ۱۳۲۰ و بی‌لیاقتی و بی‌ثباتی دولت‌های وقت، وظیفه‌ی ملی خود دانست با سلاح شعر و قلم به مبارزه برخیزد. وی به مدت دو سال به فعالیت‌های مطبوعاتی پرداخت، اما پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و اعمال سانسور شدید به کارهای تحقیقی، کتاب‌شناسی و تذکره‌نویسی روی آورد. گلچین پس از ۲۶ سال خدمات دولتی در دادگستری و چهار سال در

کتابخانه‌ی مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۲ بازنشسته شد و پس از ۴۷ سال زندگی در تهران با دل‌تنگی از زمان و زمانه در سال ۱۳۴۳ از تهران به مشهد نقل مکان کرد. (گلچین، ۱۳۶۲، مقدمه‌ی دیوان) زمزمه‌های این دل‌تنگی‌ها را در سرودهایی همچون: «رسم و راه من» (ص ۷۲)، «گلشن شیراز» (ص ۷۷)، «گل‌های کاغذی» (ص ۹۳)، «گل حسرت» (ص ۹۷-۹۸)، «مرد و نامرد» (ص ۱۰۴) و... می‌توان دید:

این جا ز بس که ساز مخالف دلم شنید
دامن ز دست مردم ناساز می کشد
(دیوان: ۱۰۴)

به طور کلی، دوران زندگی گلچین را به لحاظ محیط زندگی و فعالیت‌های اداری و ادبی به دو مرحله می‌توان تقسیم کرد: مرحله‌ی یکم، زندگی در تهران که به تجربه‌ی اندوژی و فعالیت‌های اجتماعی، همچون: خدمات دولتی، شرکت در انجمن‌ها، خدمات مطبوعاتی و گذراندن اوقاتی در کتابخانه‌ها می‌پردازد. بیش‌ترین اشعار، به ویژه غزلیاتش را در این برهه از زمان می‌سراید. مرحله‌ی دوم، شامل زندگی او در مشهد است که بیشتر در کتابخانه‌ها به تحقیق، تألیف، تصحیح و فهرست نویسی بر کتب خطی می‌پردازد و اندکی نیز به سرودن شعر.

اشعار او را به دو گروه می‌توان تقسیم کرد: گروه یکم، اشعاری که با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی خود می‌سراید و در جرایدی همچون: «امید»، «تهران مصور»، «علی‌بابا» و... چاپ و تحت عنوان «مجموعه‌ی اشعار عصری» بالغ بر پنج‌هزار بیت منتشر می‌کند. شیوه‌ی وی در سرودن این اشعار، همان سبک کلاسیک به لحن جدی و گاهی طنز، هجو و حکایت است که به بیان مشکلات اجتماعی عصر خود می‌پردازد. گروه دوم، اشعاری که بیانگر احساسات و روحیات شاعرانه است، شامل پنج‌هزار بیت که بخشی از آن تحت عنوان «دیوان گلچین»، در سال ۱۳۶۲ منتشر می‌شود. سبک وی را کلاسیک نو می‌توان دانست که تحت تأثیر عواملی، همچون: انجمن‌های ادبی، انقلاب مشروطیت و دوستان، بازگشتی به سبک‌های (خراسانی، عراقی و هندی) است که بعضی آن را «سبک تهرانی» دانسته‌اند. (صبور، ۱۳۴۴: ۴۴۰)

یکی از مختصات سبک ادبی وی - که به ویژه در سبک خراسانی و نیز در شعرنیمایی جایگاه ویژه‌ای دارد - تکرار و انواع آن است که هر چند در گذشته، اغلب آن را در مبحث عیوب فصاحت مطرح می‌کردند اما امروز در ردیف آرایه‌های لفظی به شمار می‌رود. تکرار که شامل استعمال بیش از یک بار کلمه یا کلماتی در جمله یا بیت است، در بدیع لفظی به قصد تأکید، تعظیم، تنبیه یا با انگیزه‌ای دیگر، به کار گرفته می‌شود. گاه، شاعر یا نویسنده برای اهمیت موضوع و جلب توجه مخاطب به مسأله با شیوه‌های هنرمندانه به تکرارهای مطلوبی دست می‌زند؛ گاهی نیز به ضرورت‌های شعری و وزنی و گاهی تنها به منظور زیبایی و یا رعایت جنبه‌ی بلاغی استفاده می‌کند. در شعر فارسی، تکرار به صورت‌های مختلفی همچون: ردیف، قافیه، واج آرایه، تصدیر و ... ظاهر می‌شود که در برگیرنده‌ی تکرار واج، تکرار هجا، تکرار واژه و تکرار عبارت است.

گلچین معانی - که در درجه‌ی اول به عنوان محقق و دانشمندی توانا می‌توان از او یاد کرد - بسیار هنرمندانه با استفاده از شیوه‌های مختلف دست به تکرار می‌زند و باعث افزایش موسیقی شعر خود می‌شود. در این مقاله سعی می‌شود با تجزیه و تحلیل دیوان گلچین، به شیوه‌ها و ویژگی‌های انواع تکرار در اشعارش پرداخته شود. منبع اولیه‌ی تجزیه و تحلیل اشعار، دیوان گلچین است که با مقدمه‌ی خود شاعر در سال ۱۳۶۲ منتشر شده است. ضمناً، اشعار استفاده شده در متن مقاله بر حسب شماره‌ی صفحات به دیوان یاد شده ارجاع داده شده است.

بحث

۱- تکرار، شاخصه‌ی اصلی شعر گلچین

گلچین با روحیه‌ی حساس و زودرنجی که دارد، متأثر از هر حادثه‌ی ای و شاک‌ی از بی‌وفایی‌های مردم زمانه و خانواده، «هر گاه حضور عقل، او را به خستگی و فرسودگی وا می‌دارد، به آغوش عشق پناه می‌جوید و با تنفس هوای بهاری شعر و

غزل، سبک روح می‌گردد. اگر چه نصیبی از بهره‌های مادی و تمتعات دنیوی ندارد، غم نمی‌خورد، چرا که با طبع سخندان، سر سازگاری دارد و گوهر شعر در گنجینه‌ی ذوق.» (ایمانی، ۱۳۸۳: ۲۳)

گر نصیبی زین جهانم نیست گلچین! نیست غم

کز دو عالم، صلح با طبع سخندان می‌کنم

(دیوان: ۳۳)

شکایت از هجران و بی‌وفایی معشوق و زمانه‌ی ناسازگار و بیان فقر و محرومیت‌ها و عدم دل‌بستگی به مادیات و قناعت پیشگی و دشمنی دوستان، از مضامینی است که گلچین مکرر یاد آور می‌شود و حتی او با تکرار بعضی از ویژگی‌های سبکی (تخفیف، ترکیبات مقلوب)، بعضی از سمبل‌های ادبی عاشقانه (گل، ماه)، اسطوره (خضر) و برخی از پدیده‌ها (شب) در کلّ دیوان خود نیز موجب افزایش موسیقی کلام خود می‌شود. با این حال، او با هنرنمایی خاص و استفاده از شیوه‌های مختلف، از تکرار مخلّ و ممل دوری می‌جوید و آن‌چنان با موسیقی کلامی خود خواننده را جذب می‌کند که گویا مضمونی تکرار نشده است. انواع تکرار واج، اشکال تکرار واژه و تکرار عبارات، هر کدام در دیوان گلچین به نحوی شایسته به کار گرفته می‌شود.

گلچین به جای تکرار مطلق کلمات، بعضی از مفاهیم ذهنی و کلمات کلیدی زندگی‌اش را با روش ستیز آرایه‌ها، با آرایه‌هایی همچون: مشاکله، جناس، تضاد، اسلوب معادله و عکس همراه می‌کند و نوعی تکرار چشمی را به وجود می‌آورد. در بیشتر دیوان گلچین نمونه‌های فراوانی از تکرار دیده می‌شود؛ گاه در ابیات پراکنده گاه در تمام ابیات یک قالب و گاه در کلّ دیوان. گلچین با حسن سلیقه‌ای که دارد کلمات تکراری خود را در وضعیتهای مختلفی چون آغاز و پایان بیت و شکل‌های دیگر (انواع تصدیر)، آغاز تمام ابیات یک قالب یا در جای جای ابیات یک قالب، به شکل التزام قرار می‌دهد و تنوع و تازگی خاصی به آن می‌دهد؛ بدین ترتیب موسیقی لفظی زیبایی را ایجاد می‌کند.

۲- انواع تکرار در شعر گلچین

الف- واج آرای: یکی از عوامل سازنده‌ی موسیقی، واج آرای و نغمه‌ی اصوات است. ارزش صوتی و طنینی حروف، هنگام تلفظ با یکدیگر تفاوت دارد؛ مثلاً: حرفی که لثوی و دندانی هستند به هنگام تلفظ طنین بیشتری دارند و از ارزش موسیقایی بیشتری برخوردارند، نظیر حروف: «ش»، «س»، «ث»، «ض»، «ذ»، «ز»، «ظ»، «چ» و «ژ» (ملاح، ۱۳۶۷: ۷۵) واج آرای یا نغمه‌ی حروف، یکی از عوامل ایجاد موسیقی و آهنگ شعر است که با تکرار حرفی در کلمات شعر ایجاد می‌شود. شاعران هنرمند، در انتخاب این گونه کلمات، استادی خود را نشان می‌دهند و کلام خویش را خوش آهنگ می‌کنند. (صادقیان، ۱۳۷۸: ۹۱) از نظر گاهی دیگر «تکرار یک صامت یا مصوت را در چندین کلمه‌ی جمله واج آرای می‌نامند.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۷۳) گلچین از این آرایه برای ایجاد موسیقی شعر خود به دو شکل هم حرفی و هم صدایی بسیار بهره می‌گیرد، البته میزان هم حرفی بر هم صدایی غلبه دارد و در میان حروف نیز تمایل بیشتری به استفاده از حروف پر طنین به ویژه «س» و «ش» و از میان مصوت‌ها، مصوت بلند «ا» دارد. گاه این هم حرفی به تعداد کم و در کنار هم در یک مصراع آهنگی را ایجاد می‌کند و گاه به تعداد بیشتر و در کل بیت پراکنده می‌شود. از هنرنمایی‌های گلچین در این زمینه آمیختگی هر دو شکل واج آرای و گاه حروف و کلمات در بعضی از ابیات است که به این طریق خوش آهنگ‌ترین موسیقی را ایجاد می‌کند.

(۱) هم حرفی: «تکرار یک صامت با بسامد زیاد در جمله که ممکن است به صورت منظمی در آغاز همه یا برخی از کلمات باشد.» (همان: ۷۳)

- تکرار واج «خ»:

بگوی و بشنو و خوش دار دل، که تا نگری به خوابگاه عدم خفته ایم و خاموشیم
(دیوان: ۲۹)

- تکرار واج « د »:

روی در دل ها کن ای مسکین که گلچین عاقبت

زد در دل ها، به نومییدی چو از درها گذشت

(دیوان : ۳۱)

- تکرار واج « ق »:

زین صید گه عام به در خواهی اگر جست

عنقا به قناعت شو و بر قاف مقرر گیر

(دیوان : ۳۹)

- تکرار واج « گ »:

گلچین سر رفعت اگرت هست چو گردون

هر لحظه ز نیرنگ ، به خود رنگ دگر گیر

(دیوان : ۳۹)

- تکرار واج « ر »:

گفتی مرا که بار دگر در برآیمت

رفتگی بدین بهانه و دیگر نیامدی

(دیوان : ۴۹)

- تکرار واج « س »:

یک عمر با خیال تو بردم به سر، ولیک

عمرم به سر رسید و تو بر سر نیامدی

(دیوان : ۴۹)

- تکرار واج « س » و « ش »

ما را به بحر هستی، بیمی ز جزر و مد نیست

کشتی نشستگان راست، با قلزم آشنایی

(دیوان : ۵۲)

- تکرار واج « ه »:

با همرهی و همدلی اهل دلی چند

رفتیم و بدان کعبه ی عشاق رسیدیم

(دیوان : ۷۳)

(۲) هم صدایی: « تکرار یا توزیع مصوت در کلمات است. » (همان: ۷۴)

- تکرار مصوت «ی»:

در جهان یا رب کریمی را تهی دستی مباد

با وجود نیستی، در عالم هستی مباد

(دیوان: ۵۴)

کنم رندی و درویشی، که در مستی و بی خویشی

دلی آگاه و معشوق دل آگاهی کنم پیدا

(دیوان: ۸۳)

- تکرار مصوت «ا»:

جانا روا نبود که ما را به جرم عشق سازی به جان اسیر غم ناروای خویش

(دیوان: ۵۷)

- آمیختگی مصوت «ا» و صامت «س»:

پیوسته بود با ساز، جان و دل ما دمساز شادم که ندارد چرخ، با ما سر ناسازی

(دیوان: ۷۴)

- تکرار مصوت «و»:

مه روی تو، شب موی تو، گل بوی تو دارد

گلزار جهان خرمی از روی تو دارد

(دیوان: ۸۱)

- تکرار مصوت کوتاه «ـ»:

در محیط مرگبار کهنه قبرستان طوس کس ندیدم تا به یک لبخند مسرورم کند

(دیوان: ۱۰۷)

ب- تکرار واژه: « عامل دیگری که کمک می‌کند تا عنصر موسیقی در یک قطعه

شعر احساس گردد، مکرر به گوش رسانیدن یک کلمه‌ی خوش طنین در طول یک

مصراع یا بیت یا پاره‌ای از یک قطعه شعر است. » (ملاح، همان: ۸۱) گلچین گاه با استفاده

از شکل‌های مختلف تصدیر به تکرار واژه‌ها می‌پردازد و گاه واژه‌ی تکراری خود را

یکی از پایه‌های دو کلمه‌ی متضاد قرار می‌دهد. از دیگر موارد تکرار واژه در دیوان گلچین تکرار و تکریر، طرد و عکس، تکرار قافیه، تکرار با جناس، التزام یا اعنات و کثرت تکرار است.

(۱) **تصدیر با شکل های متنوع آن** : تکرار کلمه ای که در آغاز بیت یا مصراع آمده است تصدیر نام دارد با توجه به این که کلمه ی تکراری در آغاز مصراع بعد یا پایان آن و یا در آغاز بیت دیگر باشد انواعی دارد:

(الف) ردّ الصدر الی العجز، یکسان بودن واژه‌های اوّل و آخر بیت:

یک دم ای مهر فروزان به سرم سایه فکن

که دلم سایه صفت از تو جدا یک دم نیست

(دیوان : ۳۵)

غم آن تازه گلم هست چو در دل گلچین

گر ندارم به جهان برگ و نوایی غم نیست

(دیوان : ۳۵)

تا ساغر می هست، مکدر چه نشستی بی بهره تو ای دوست، ز ساغر چه نشستی

(دیوان : ۴۶)

بسیار گفته ام که دلا در میان خلق اهل وفا مجوی، که بسیار گشته‌ام

(دیوان : ۵۰)

(ب) ردّ العجز الی الصدر: کلمه آخر مصراع یا بیتی در آغاز بیت بعدی بیاید.

(سیروس شمیسا، ۱۳۸۶، ۷۶)

دیشب من و او خوش به هم آمیخته بودیم

در گردن هم دست خود آویخته بودیم

آویخته بودیم به یکدیگر و از شوق

اشکی دو سه بر گونه هم ریخته بودیم

(دیوان : ۸۴)

شد ز هم اجزای وجودش جدا ماند به جا از تن وی قطره‌ها

قطره بسان گهر تابناک در پی هم ریخت به دامان خاک

(دیوان : ۲۰۸)

(ج) ردّ العروض الی العجز:

و لیک جای تو خالی به دامن است مرا اگر چه دست من ای گل به دامنت نرسید

(دیوان : ۲۴)

بهار حسن تو باید مرا نه خرمن گل که تا کنار منی گل به خرمن است مرا

(دیوان : ۲۴)

می شود در عهد پیری پست بالای بلند تا ببیند هر کسی پست و بلند روزگار

(دیوان: ۲)

(د) ردّ الصدر الی العروض :

حسن از اول جلوه گاه خویشتن قلب شاعر ساخت ، یعنی قلب من

(دیوان : ۲۱۶)

روی بر تافتی و پشت و پناه دل من نشدی کز همه جا رو به تو آرم ، نشدی

(دیوان : ۶۱)

(ه) ردّ الصدر الی الابتداء :

بگذشت ز آب و نشدش دامن از آن تر تر دامنی من نگر و دامن مهتاب

(دیوان : ۶۶)

از محبت کن خودی را زنده تر زنده تر، تابنده تر، ارزنده تر

(دیوان : ۲۱۶)

شد آن کو خداوند دستور بود خداوند دستور مشهور بود

(دیوان : ۲۵۰)

به غیر از نمونه‌های یادشده، انواع دیگری همچون موارد زیر، در دیوان گلچین

یافت می شود:

شبی تابنده از اوج فلک بدر شبی در فیض بخشی لیله القدر

(دیوان : ۲۱۳)

با محبت چون در آمیزد خودی خود جهان را طرح نو ریزد خودی

(دیوان : ۲۱۶)

چو از کف می ربایی راهوارم عنان از ره چو در پیچید طرار
بگفتش رادمرد نیک رفتار ... عنان در کش که حرفی با تو دارم

(دیوان : ۲۱۷)

(۲) **تکرار و تضاد:** از موارد شایع در دیوان گلچین، همراهی دو آرایه‌ی تضاد و تکرار است. گویا او قصد دارد با این روش به رنجش و آزرده‌گی خود از تضادهای زندگی بپردازد. از این رو، کلمه‌ی تکراری را به عنوان یکی از پایه‌های تضاد قرار می‌دهد و به تکرار دست می‌زند و باعث افزایش موسیقی شعر می‌شود:

شد موی ما سپید و به جز موی وروی دوست نشناختیم نقش سیاه و سپید را

(دیوان : ۲۷)

چه شد که دشمن این دوستدار دیرینی تو را که گفت که دشمن به دوست بگزینی

(دیوان : ۲۵)

وفای ما کند افزون جفای او گلچین دگر من و تو به پاس وفا چه می کوشیم

(دیوان : ۲۹)

ما یافتیم فیض بقا در فنای خویش با خضر گو تو دانی و آب بقای خویش

(دیوان : ۵۶)

(۳) **تکرار و تکریر:** تکرار یک کلمه در بیت که به صورت پیوسته و پشت سر هم

یا با فاصله‌ی اندک صورت گیرد .

با وجود عشق از دنیا و عقبی فارغم در دو عالم عشق باشد عشق، تا باشد مرا

(دیوان : ۲۹)

می شود کم کم جهان ما به داغستان بدل لاله وش بر هر دل از بس داغ ماتم می خورد

(دیوان : ۵)

از روی تو یک لحظه نظر باز نگیرم تا گوشه چشمی فکنی گاه به گاهم

(دیوان : ۶۵)

رفتگی و راحتتم ز دل رنج دیده رفت دل رفته رفته خون شد و از راه دیده رفت
(دیوان: ۷۶)

او در خیال این که خیالی است با ویم من بی قرار آن که قرار یست با منش
(دیوان: ۸۸)

می‌خوام که چیزها بگم، تا که به سینه نفسه

نفس می‌گه بگو بگو، عقل می‌گه بسه بسه
(دیوان: ۳۰۸)

(۴) تکرار به شکل طرد یا عکس، یعنی: تکرار کلمات با روش جا به جایی آن‌ها:

می‌توان از پند پیران کهن پیچید سر لیک نتوان کرد سرپیچی ز پند روزگار
(دیوان: ۲۶)

گاه از بام و گه از روزن نگاهم می‌کنی بی قرار از این نگاه گاه نگاهم می‌کنی
(دیوان: ۵۴)

از غم دوران نشاید بود دل خون همچو جام

که آب آشناک می خون در دل غم می‌کنی
(دیوان: ۶۹)

این بزم چیده داشت از او رونق و صفا

با او صفا و رونق از این بزم چیده رفت
(دیوان: ۷۶)

(۵) تکرار قافیه:

(الف) تکرار قافیه ی بیت اول غزل « اشک و آه » در بیت پایانی:

بی تو سوزی به دل انگیخته دارم چون شمع

اشک و آهی به هم آمیخته دارم چون شمع ...

نیست تا در برم آن آتش سوزان گلچین

شوری از سوز دل انگیخته دارم چون شمع

(دیوان: ۶۲)

(ب) تکرار قافیه بیت اول غزل « در دامن مهتاب » در بیت پنجم:

زین پس من و رود کرج و دامن مهتاب وان باده صافی چو دل روشن مهتاب ...
بگذشت ز آب و نشدش دامن از آن تر تر دامنی من نگر و دامن مهتاب
(دیوان : ۶۶)

(ج) تکرار قافیه ی بیت اول غزل « کوچ » در ابیات سوم و ششم :

رو سوی شهر تهران، بار دگر نهادیم شیراز و اصفهان را در پشت سر نهادیم ...
در آستان سعدی، از شوق جبهه سودیم بر خاک پای حافظ، از فخر سر نهادیم ...
خواننده را به گرمی، بوس از دهان ربودیم رقاچه را به نرمی، بر سینه سر نهادیم
(دیوان : ۷۴- ۷۵)

(د) تکرار قافیه ی بیت اول غزل « حدیث دوش » در بیت پنجم :

نگذاشت به سر هوشم، سر مستی دوش تو
شد زینت آغوشم ، سیمین بر و دوش تو ...
ای مهر جهان افروز، باز آ ز درم امروز
کز تاب و توانم برد، بی تابی دوش تو

(دیوان : ۸۷)

(۶) تکرار واژه به صورت التزام یا اعنات : « تکرار کلمه ای در هر مصراع یا بیت

شعر» (شمیسا، ۱۳۸۶ : ۷۸) کاربرد این نوع تکرار در دیوان گلچین به چند شیوه صورت می‌پذیرد: گاهی گلچین در تمام ابیات یک قالب، کلمه یا کلماتی را تکرار می‌کند، گاهی در چند بیتی کلمه ای را در مکان‌های مختلف بیت تکرار می‌کند و گاهی در چند بیت از یک قالب خود را ملزم می‌کند که کلمات تکراری در آغاز ابیات قرار:

(الف) تکرار یک واژه در تمام یا بعضی ابیات یک قالب :

- دشمنی دیدن از دوستان از موضوعاتی است که گلچین بارها به شیوه‌های مختلف و به شکل منسجم یا پراکنده به آن اشاره می‌کند . او در یکی از غزل های خود به نام «پاس دوستی» دو واژه «دشمن» و «دوست» را در تمام ابیات تکرار می‌کند:

هر چه خواهی دشمنی کن در لباس دوستی
کز حیا نادیده انگارم به پاس دوستی
هر کسی با دشمنان خویش می سنجد تو را
زآنکه کارت هست بیرون از قیاس دوستی
گر نمی‌گشتی به خوی از دشمنان بد خواه‌تر
دوستان را از تو کی بودی هراس دوستی
سست بنیان تر که بود از تو، که سازد استوار
پایه‌ی هر دشمنی را بر اساس دوستی
(دیوان: ۷۰)

- تکرار واژه‌ی «تو» در تمام ابیات غزل «بی تو»:
ز من مپرس که دوشم گذشت چون بی تو
ز دیده پرس که خون می‌گریست، خون بی تو
تو و کنار گل و لاله همچو نرگس مست
من و دو چشم تر و اشک لاله گون بی تو
تویی روانه به گلشن بی طرب بی من
منم گرفته به صحرا ره جنون بی تو ...
(دیوان : ۴۲)

- تکرار واژه‌ی « نگاه » در تمام ابیات غزل « نگاه آتشین »:
در دلم از یک نگاه، آتشی افروختی کار مرا ساختی، جان مرا سوختی
چون به تو کردم نگاه، چهره بر افروختت گر نظر انداختی، از چه بر افروختی
خود چه نگه می‌کنی، منع نگاه از چه روست این روش دلبری، پیش که آموختی
از نگهی گر تو را، این همه باشد دریغ گو که خود این مایه حسن، بهر چه اندوختی
در چمن دلبری، جز تو به گلچین که گفت بر رخ گل‌چهرگان، از چه نظر دوختی
(دیوان : ۸۵-۸۶)

(ب) التزام به تکرار کلمات در آغاز ابیات:

- تکرار واژه‌ی «یکی» در آغاز ابیاتی از قطعه‌ی «افسانه» که بیانگر توصیف او از آن مکان با اشاره به ناشناس بودن افراد است.

یکی را به مکتب درون ، رقعہ رقعہ	به سر عشر خوانی گرفتار دیدم
یکی را به دست وقایع نگاری	نگهبان تاریخ اعصار دیدم
یکی را پی گمرهی بر نبشته	وزو روز روشن شب تار دیدم ...
یکی را به دشنام آزاد مردان	سیه رو، ز دستی سیه کار دیدم

(دیوان : ۱۹۸)

- تکرار « از » در مفهوم «از دست» بیانگر شکایت او از وضع جامعه است در آغاز چند بیت از غزل «چه سود»:

ز دولتی که نبخشد به کس رفاه چه سود	ز هیأتی که کند روز ما سیاه چه سود
از ین گروه وکیل تباه‌کار دغل	به غیر از آن که شود کار ما تباه چه سود
ز ملت‌ی که نسنجیده فرق نیک از بد	ز مردمی که ندانسته ره ز چاه چه سود
ز خواجه‌ای که نخواهد ز سر بلندی و کبر	به زیر دست بلاکش کند نگاه چه سود
ز بنده‌ای که نداند خدای بینا را	به کرده‌های بد و نیک خود گواه چه سود

(دیوان: ۳۰۲)

(۷) کثرت تکرار: کثرت تکرار در دیوان گلچین به چند شکل صورت می‌پذیرد، گاهی در کل دیوان بعضی از واژه‌ها بسیار تکرار می‌شود، گاهی در تمام ابیات یک قالب شعری گلچین دست به تکرار واژه یا مضمون می‌زند و گاه به تکرار بیش از حد یک واژه در بیت دست می‌زند.

(الف) تکرار یک واژه در کل دیوان:

- واژه‌ی گل و ترکیبات آن: گل انواع مختلفی دارد که شاعران با توجه به مقصود خود در توصیف از یک نوع آن استفاده می‌کنند، اما هر گاه به تنهایی نامی از گل برده شود اغلب مراد گل سرخ است. در مجموع، گل نماد زیبایی است و برای تشبیه چهره‌ی

معشوق یا شخص مورد وصف در زیبایی، لطافت، رنگ ظاهری، حالت‌های مختلف چهره و اعضای صورت و ... از آن استفاده می‌شود. هر شاعری با توجه به منظور خود از توصیف، اغلب آن را با واژه‌هایی چون خار، خرمن، غنچه و ... همراه و ضمن بیان مقصود خود تناسب‌هایی زیبا ایجاد می‌کند.

از این واژه گاه در مقام تشبیه، گاه مجاز و استعاره و گاه کنایه استفاده می‌شود، گاهی نیز از آن به شکل ساده و گاهی ترکیبی استفاده می‌شود. گلچین علاقه‌ی خاصی به استفاده از این واژه دارد. چنانکه حتی در انتخاب تخلص خود نیز از این واژه استفاده می‌کند. او به تناسب از این واژه در مقام تشبیه، استعاره و کنایه استفاده و به معانی واقعی یا مجازی آن توجه می‌کند. گاهی آن را به شکلی ساده و گاهی با ترکیب با واژه‌ای دیگر به کار می‌برد. ترکیباتی چون نوگل، گل‌رخ، گل‌چهره، گل‌بانگ و خنده‌ی گل، حدیث گل و ... که اغلب آن را با خرمن، خار و غنچه همراه می‌کند. خیلی کم، غزل عاشقانه‌ای در دیوان وی دیده می‌شود که از این واژه‌ها در آنها استفاده نشده باشد؛ گاهی حتی در انتخاب نام غزل خود نیز از این واژه و واژه‌های متناسب با آن کمک می‌گیرد، همچون: «خنده‌ی گل» (ص ۲۵)، «گل آرزو» (ص ۳۸)، «گل بی خار» (ص ۶۶)، «گلشن شیراز» (ص ۷۷). تکرار بیش از اندازه‌ی این واژه احتمالاً بیانگر حقایقی از زندگی شاعر است که او در پرده‌ی الفاظ به آن می‌پردازد:

بهار حسن تو باید مرا نه خرمن گل که تا کنار منی گل به خرمن است مرا
(دیوان: ۲۴)

چنان‌که خنده‌ی گل بی بقا بود گلچین نشاط عهد جوانی به کس نمی‌ماند
(دیوان: ۲۵)

گل است یار و رقیب است خار او، گلچین جفای خار تو را می‌سزد که گلچینی
(دیوان: ۲۵)

تا گل به جان نسوخت گلابی ندید کس تا خون رز نریخت، شرابی ندید کس
(دیوان: ۳۱)

کم ز مرغان چمن نیستم از شور و نوا گر چه دستم به گل و پا به گلستان نرسد
(دیوان: ۳۳)

منال بیهده گلچین که گلرخان را دل به حال عاشق خونین جگر نمی سوزد
(دیوان: ۴۶)

در میان سمبل‌های ادبی و اساطیری، شمع، ماه، خضر، شب، رنگ سیاه و سفید و طوطی از تکرارهای قابل توجه گلچین در کلّ دیوان است که جای بحث دارد، ولی در این جا مجال آن نیست. در میان واج‌ها، صامت «س» و «ش» و مصوّت «ا» در میان پیشوندهای فعلی پیشوندهای «وا» و «فرو» و در میان قیدها قید «گاه» و از حروف حرف‌های «تا»، «ار» و «که» در دیوان گلچین بیشتر به چشم می‌خورد.

(ب) تکرار در تمام ابیات یک قالب:

- غزل «چشمه‌ی حیات» از جمله غزل‌هایی است که در تمام ابیات آن گلچین سعی کرده از این آرایه استفاده کند؛ این تکرار با حالت‌ها و آرایش‌هایی، همچون: توصیف، عکس، جناس، تشبیه تفضیل، تضاد، مراعات نظیر و ضرب المثل همراه می‌شود و موجب افزایش موسیقی شعر می‌شود، همچون:

این چشمه‌ی حیات است، این بوسه خواه لب نیست

شیرین‌تر از نبات است، دل‌خواه بی سبب نیست

از بوسه‌های نوروز، شیرین شد دست کامم

شیرینی که همراه، با تلخی طلب نیست

تا کی دریغت آید، از بوسه‌ای، که آن لب

جان است و جان شیرین، بر لب مرا عجب نیست

در بوته‌ی تب عشق، گفתי گدازمت جان

از تاب آتش شوق، دیگر مجال تب نیست

صد ره تو را به تحقیق، سر تا به پای دیدم

از پای تا به سر نیست، عضوی که منتخب نیست

بویاست گل ولیکن، بویی ندارد از تو

زیباست غنچه امانا، همچون تو نوش لب نیست

در انتظار وصلت، شب‌ها به روز بردم

«با من شبی به روز آری، یک شب هزار شب نیست»

(دیوان: ۸۹)

- غزل «زندانی دیوان» که گلچین در اعتراض به مسند قضا و قاضیان می‌سراید، از جمله اشعاری است که گلچین با استفاده از تکرار و همراه کردن آن با انواع جناس (تام، ناقص، اشتقاق)، مراعات نظیر، تضاد ازدواج، تلمیح و واج آرایی و تکرار قافیه و ایجاد قافیه‌های میانی، عالی‌ترین نوع موسیقی را ایجاد می‌کند و بر درجه‌ی تأکید آن می‌افزاید که گاهی در بعضی از ابیات آن کثرت تکرار دیده می‌شود:

چند در دیوان نشستن؟ خیز و دیوان واگذار	نیستی دیوانه، دیوان را به دیوان واگذار ...
گوی و چوگانی شنیدستم، ولی ناموس و نام	گوی نبود، تا توان گفتن به چوگان واگذار
مکر و ریو خلق را در خور بود شیطان و دیو	کار این شیطان صفت مردم به شیطان واگذار
نیست درگاه قضا، دکان تزویر و ریا	وین تو خود با آنکه بگشاده است دکان واگذار
مکر و دستان تا که در کار قضا آمد دخیل	هم دخالت را به اهل مکر ودستان واگذار
آن که هر دشوار را بر خویش آسان می‌گرفت	گو کنون چون کار شد دشوار، آسان واگذار

(دیوان: ۱۷۲-۱۷۱)

(ج) کثرت تکرار در ابیات پراکنده:

همه یارند و از یاری گریزان

گریزان از وفاداری، گریزان

(دیوان: ۲۷۲)

در دلم از تو غمی هست که در عالم نیست

عالمی دارم ازین غم، غم عالم کم نیست

(دیوان: ۳۵)

تو غم‌خوار منی، من همدم تو

چه غم داری، که من دارم غم تو

(دیوان: ۲۷۲)

من غریب و او غریب، اما به هم چون جان و دل در دیار غربت اقبال غریبی داشتیم
(دیوان : ۲۷۳)

(۸) **تکرار چشمی** : تکرار هم خوانی و هم شکلی کلمات به لحاظ دیدار که باعث لذت بردن می شود. (سیروس شمیسا، ۱۳۸۶: ۸۴) تکرار چشمی به شکل های مختلف نظیر جناس، مشاکله، طباق و گونه های مختلف یک کلمه در دیوان گلچین ظاهر می شود:
(الف) تکرار چشمی با جناس:

به بوی گل دل من وا نمی شود گلچین که بی حضورم و از سیر گلستان سیرم
(دیوان : ۴۰)

آشنایی هر که با دینار و درهم می کند ز آشنایان روی چون بیگانه در هم می کند
(دیوان : ۶۹)

(ب) تکرار چشمی با مشاکله:

امشب برم به ماه شکایت، که ماه من آمد، ولی حکایت دل ناشنیده رفت
(دیوان : ۷۶)

به لطف پنج تن این پنج تن سزاوارند که رفته اند ازین ششدر جهات به در
(دیوان : ۲۵۳)

(ج) تکرار چشمی با تضاد ها :

جانا روا نبود که ما را به جرم عشق سازی به جان اسیر غم ناروای خویش
(دیوان : ۵۷)

بر کسان این ناکسان از پشت خنجر می زنند

نیستی این عرصه را چون مرد جولان واگذار
(دیوان: ۱۷۲)

نیستت گلچین ز بی وجودی ها بهره از عالم وجود مرا
(دیوان : ۱۴۱)

(د) تکرار کلمات با گونه های متنوع آن:

- رفتند همدمان و درین بی کسی نرفت یک دم که بر نیاورم از سوز دل دمی
(دیوان : ۲۵۱)

در آن نفس که قضا می‌رسد، بیاید رفت چه چاره زآنکه قضا را جز این تقاضا نیست
(دیوان: ۲۳۴)

- دردم افزون شد به هر جانب که رو کردم چو گوی کوی آسایش درین محنت سرا دردا که نیست
(دیوان: ۳۶)

- نکو نام را بین که شد سال فوتش برفت افسر و ماند ازو نیک نامی
(دیوان: ۲۳۱)

- کنم رندی و درویشی، که در مستی و بی خویشی دلی آگاه و معشوق دل آگاهی کنم پیدا
(دیوان: ۸۳)

- اسیر دست عشقت، ای بلورین ساعد و پنجه

غلام حلقه در گوش تو ای سیمین بناگوشم
(دیوان: ۸۵)

- کرد امتیاز وسعت مشرب مرا نصیب از مال و دولت ار که نبخشید وسعتی
(دیوان: ۱۷۴)

- تا تو کذاب، مدعی هستی کار، بر مدعا نمی بینی
(دیوان: ۲۶۳)

ج- تکرار عبارات و جمله ها : در تکرار عبارات و جملات، گلچین گاهی با استفاده از کنایات متعدد به تکرار یک مضمون در کلّ یک قالب دست می‌زند، گاهی از کلمات مترادف استفاده می‌کند و به تکرار یک مضمون در دو مصراع می‌پردازد و گاهی به شیوه‌ی اسلوب معادله به تکرار مضمون در یک بیت می‌پردازد، گاهی مطلع شعری را تکرار می‌کند و گاه با تکرار ردیف به صورت ترکیبی از کلمات دست به تکرار می‌زند و موجب افزایش موسیقی شعر خود می‌شود. این نوع تکرارها از نمونه‌های اطناب در دیوان گلچین محسوب می‌شود:

(۱) تکرار یک مضمون در یک قالب:

- غزل «طبله‌ی عطار» از جمله غزل‌هایی است که گلچین در اعتراض و هجو بعضی از قشرهای جامعه می‌سراید. او تقریباً در تمام ابیات، مفهوم حماقت و نادانی

مردم زمانه‌ی خود- که خوب را از بد نمی‌شناسند- با استفاده از کنایات گوناگونی تکرار می‌کند، کنایاتی که همه این مفهوم را می‌رسانند؛ کنایاتی از قبیل: خر مهره از فیروزه، مس از زر، سه خواهر از هفت برادر، مؤنث از مذکر، پا از سر، رهن از رهبر، محراب از منبر، خود را به سخن کم ز پیمبر نشناختن، گلچین (مبتدی) را با سعدی برابر دانستن و مصفاً از مکدر نشناختن:

این صیرفیان تیله ز گوهر نشناسند	خر مهره ز فیروزه، مس از زر نشناسند
از فرط خری، ارزش خر مهره ندانند	وز بد گه‌ری، قیمت گوهر نشناسند
جز جهل مرکب نبود در سرشان هیچ	باری، عجبی نیست که جوهر نشناسند ...
با فکر کج و مغز تهی مست غرورند	خود را ز چه رو از همه برتر نشانند
هستند به رفتار و به کردار چو کرکس	ز آن روی مؤنث ز مذکر نشناسند

(دیوان : ۱۷۲-۱۷۳)

(۲) تکرار یک مضمون در دو مصراع با کلمات مترادف:

تا به کی ناله کنم کان چه نمی‌خواهم هست تا به چند آه کشم که آن چه همی‌خواهم نیست

(دیوان: ۳۵)

آگه ز راز هستی موهوم بوده‌ام واقف به رمز پرده‌ی پندار گشته‌ام

(دیوان: ۵۰)

ز داغش چه دل‌ها با ماتم نشست به سوگش چه جان‌ها مصیبت کشید

(دیوان: ۲۴۵)

(۳) تکرار مضامین با اسلوب معادله:

آن سیه چشم از نگاه تلخ، سرخوش دارم آری آری باده‌ی تلخ است شیرین در بهار

(دیوان : ۱۴۰)

در بهار عمر یکسر بخت بیدارم بخفت راست گویند اینکه باشد خواب، سنگین در بهار

(دیوان : ۱۴۰)

(۴) تکرار مطلع (ردّ المطلع):

جانم به لب ز دست شکایت رسیده است صبری که داشتم به نهایت رسیده است

تا می روم به شکر زبان آشنا کنم جانم به لب ز دست شکایت رسیده است

(دیوان : ۳۹)

بیماری من روی به بهبود ندارد دنبال مسیح از بروم سود ندارد ...

از صائبم این نکته خوش افتاد که فرمود: بیماری من روی به بهبود ندارد

(دیوان : ۱۲۶-۱۲۷)

(۵) تکرار ردیف: ردیف را هم می‌توان از انواع تکرار محسوب کرد که در این جا

به ذکر بعضی از ردیف‌هایی که به صورت عبارت و ترکیب هستند پرداخته می‌شود :

دگر نه بی تو پناهی که داشتم دارم دگر نه عزت و جاهمی که داشتم دارم

(دیوان : ۴۱)

دور از تو گریزان است، زین خانه که من دارم دیوانه دلی از خویش، بیگانه که من دارم

(دیوان : ۸۶)

منافقان ز توام دور کرده اند ای دوست مرا ز کوی تو مهجور کرده اند ای دوست

(دیوان : ۲۶۳)

نتیجه گیری

گلچین برای تسکین دردها و رنج‌های خود به عالم شعر پناه می‌آورد و از شعر به عنوان تنها مونس دردها و رنج‌هایش بهره می‌برد تا هم با تکرارهای خود دردهایش را تسکین دهد، هم به نوعی با خواننده ارتباط برقرار کند و او را به فضای عواطف شخصی خود بکشاند و بر آن مضامین تأکید کند. هنرنمایی و تنوع او در استفاده از این فن بسیار قابل توجه است، زیرا او نه تنها با تکرارهایش خستگی و ملالت ایجاد نمی‌کند بلکه بر موسیقی کلام خود افزوده و آن را دل‌نشین می‌کند. هر چند گلچین از عوامل دیگری نیز برای ایجاد موسیقی در کلامش استفاده می‌کند اما، از آن میان، تکرار و شکل‌های متنوع آن بسامد بالاتری دارد و چنان چشمگیر است که هر خواننده‌ای را متوجه خود می‌کند.

گلچین در سه زمینه به تکرار می پردازد: تکرار انواع واج (صامت و مصوت) که در مقایسه با دو زمینه‌ی دیگر بسامد بالاتری دارد. از بین دو نوع واج، تکرار به صورت هم حروفی بیشتر نمود دارد که از میان صامت ها غلبه بر صامت «س» و «ش» است و از میان مصوت‌ها، مصوت بلند «ا» بیشتر به چشم می خورد. دومین زمینه تکرار، تکرار واژه است که به شکل‌های مختلفی همچون: تصدیر، تکرار و تضاد، تکرار به شکل طرد و عکس، تکرار با التزام، کثرت تکرار، تکرار با گونه‌های مختلف کلمات ، تکرار چشمی و تکرار قافیه ظاهر می‌شود که نوع اخیر در پنجاه و هشت قالب از قالب‌های دیوان گلچین به چشم می‌خورد. در میان انواع مختلف تکرار واژه، تصدیر با شکل‌های مختلف و از میان انواع تصدیر، ردّ الصدر الی العجز بسامد بالاتری دارد. سومین زمینه تکرار، تکرار عبارات و ترکیبات است که به شکل‌های متنوعی چون تکرار یک مضمون در یک قالب، تکرار یک مضمون در دو مصراع با استفاده از کلمات مترادف ، تکرار یک مضمون با روش اسلوب معادله، تکرار مطلع و تکرار ردیف است که این نوع تکرار در مقایسه با دو زمینه‌ی قبلی کمتر به چشم می‌خورد.

گلچین که همواره گلچین است در زمینه‌ی تکرار نیز به عنوان انتخاب‌گری ماهر، هنر خویش را در معرض نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با تکرار از تکرار پرهیز کرد.

کتاب‌نامه (فهرست منابع و مآخذ):

- ۱- گلچین معانی، احمد؛ (۱۳۶۲)، «دیوان»؛ تهران: سلسله نشریات «ما».
- ۲- ایمانی، بهروز؛ (۱۳۸۳)، «نامه‌ی معانی» (یادنامه‌ی استاد احمد گلچین معانی)؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۳- شمیسا، سیروس؛ (۱۳۸۶)، «نگاهی تازه به بدیع» [ویرایش سوم]؛ تهران: میترا.
- ۴- _____، (۱۳۷۲)، «کلّیات سبک‌شناسی»؛ تهران: فردوس.
- ۵- صبور، داریوش؛ (۱۳۴۴)، «صدف» (تذکره‌ای از سخنوران روز)؛ تهران: ابن‌سینا.
- ۶- صادقیان، محمدعلی؛ (۱۳۷۸)، «زیور سخن در بدیع فارسی»؛ یزد: دانشگاه یزد.
- ۷- ملاح، حسینعلی؛ (۱۳۶۷)، «پیوند موسیقی و شعر»؛ تهران: فضا.
- ۸- رازانی، ابوتراب؛ (۱۳۴۲)، «شعر و موسیقی و ساز و آواز در ادبیات فارسی»؛ تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ.